

# تفاوت‌های جنسی در انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای پسران و دختران ایرانی



نویسنده: نیره توحیدی

نشریه آزادی اندیشه، شماره ۱۰، آذر ۹۹، صفحه ۵۳ تا ۷۸

دانلود نسخه پی دی اف



[1] [2] [3]

## خلاصه

در این پژوهش، عوامل پیش‌بینی‌کننده انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای در میان ۲۲۰ دختر و پسر سال آخر دبیرستان در ایران مورد بررسی قرار گرفت. ارتباط میان اجتماعی شدن (در سنین اولیه)، وضعیت

اجتماعی-اقتصادی، مذهب، تبعیض‌ها در محیط اجتماعی، و منابع موجود در محیط اجتماعی (همگی به های پیش‌بینی‌کننده احتمالی) با انگیزه پیشرفت علمی احرفه‌ای (به عنوان متغیر معیار) مورد عنوان متغیر سنجش قرار گرفت. برای آن که ضریب واریانس هر متغیر پیشگو مشخص شود، از تجزیه و تحلیل استفاده گردید. علاوه بر آن، برای آن که قوی‌ترین و بهترین عوامل (MRA) آماری رگرسیون چندگانه نیز بر (DFA) پیش‌بینی‌کننده (متغیرهای پیشگو) مشخص شوند، یک تجزیه و تحلیل آماری تفکیک‌کننده اساس چهار ترکیب خطی از متغیرهای وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالا و پایین، و برای دو گروه منکر و مونث (پسران و دختران)، مورد اجرا قرار گرفت. از طریق تحلیل محتوای پروتکل‌های تصویری نمایندگی‌کننده انگیزه پیشرفت، به لحاظ آماری هیچ تصویری که نمایانگر وجود انگیزه قوی پیشرفت علمی احرفه‌ای باشد در میان این دانش‌آموزان مورد مطالعه در ایران جلوه گر نشد. در عوض، این اندازه‌گیری تصویر غیرمنتظره دیگری را نمایان کرد که حاکی از مشغولیت ذهنی افراد مورد مطالعه با ازدواج و یا وجود انگیزه‌ای قوی برای برقراری رابطه با جنس مخالف بود. همخوان با یافته‌های تحقیقی در آمریکا، دختران ایرانی نمره پایین‌تری در انگیزه پیشرفت علمی احرفه‌ای بدست آوردند و کمتر از پسران به افکار و عقاید تبعیض‌آمیز باور نشان دادند. افراد مورد مطالعه با وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالاتر هر دو جنس در مقایسه با گروه‌های با سطح اقتصادی-اجتماعی پایین‌تر، درجه بالاتری از انگیزه اشتیاق شغلی نشان دادند و از وجود منابع اجتماعی برای فرصت‌های شغلی برداشت بیشتر و خوش بینانه‌تری داشتند. جنسیت، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، تبعیض‌های اجتماعی (محلی)، و انگیزه ارتباط با جنس مخالف، وزن خیلی سنگین‌تری از سایر عوامل پیش‌بینی‌کننده در پیشگویی تفاوت یا واریانس در انگیزه شغلی احرفه‌ای نشان دادند. در این نوشته، پیامدها و دلالت‌های ممکن از نتایج این پژوهش برای ارتقاء انگیزه پیشرفت علمی احرفه‌ای در میان زنان ایرانی مورد بحث قرار گرفته است. در پایان، توجه پژوهشگران به احتمال نیاز به تدوین تست‌ها یا سنجشگرهای متفاوتی در پژوهش‌های میان-فرهنگی یا فرا-فرهنگی جهت بررسی انگیزش پیشرفت علمی احرفه‌ای، جلب گردیده است.

\*\*\*

زنان در سراسر جهان به این دریافت نزدیک می‌شوند که آنها می‌توانند همانند مردان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی نقش پیشرفته‌ای داشته باشند. زنان همچنین در مطالبات خود به دسترسی برابر به فرصت‌های تحصیلی، شغلی، سیاسی و اجتماعی موفق‌تر بوده‌اند. با این حال، حتی در بسیاری از کشورهای صنعتی مدرن، همانند آمریکا، سطح پیشرفت‌های علمی و شغلی زنان همچنان پایین‌تر از مردان است. برخی مطالعات حاکی از این هستند که پایین‌تر بودن انگیزه پیشرفت علمی احرفه‌ای در میان زنان در مقایسه با مردان، یکی از دلایل پایین بودن میزان پیشرفت آنها در علوم و مراتب حرفه‌ای و اشتغال است (Farmer, 1976; Farmer & Bohn, 1970).

## رویکرد میان فرهنگی

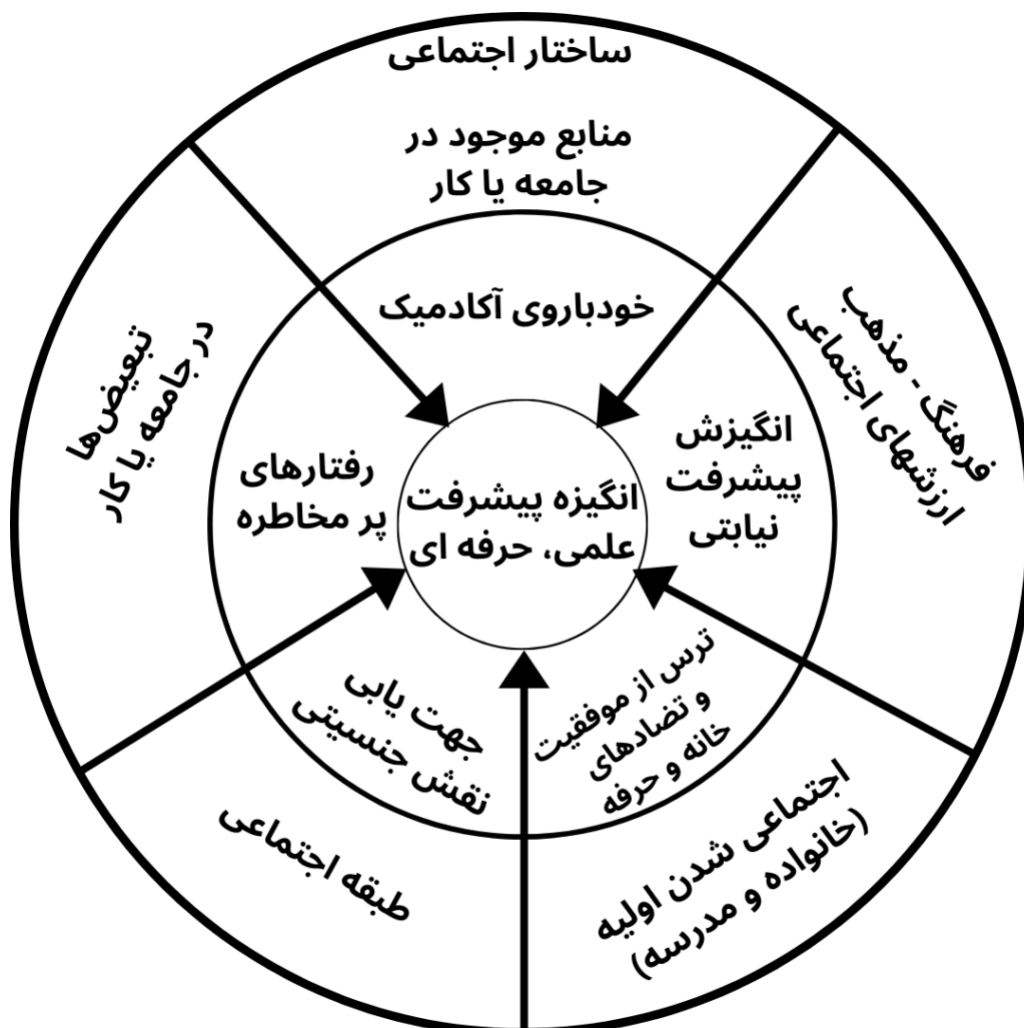
محققین مطالعات میان فرهنگی، قوت و ثبات تاثیر عوامل شخصیتی را بر انگیزه پیشرفت علمی و حرفه‌ای زنان و مردان، به چالش کشیده‌اند. آنها بر این عقیده‌اند که رفع موانع، تغییر در الگوها، کلیشه‌ها و تصویرهای اجتماعی در جامعه و محیط کار می‌توانند بر رفتارهای انگیزشی و دستاوردی تاثیر بیشتری (Maehr, 1974; B. Weiner, 1974) داشته باشند.

پژوهش حاضر این دیدگاه را پذیرفته و بر نقطه نظر محیطی تاکید می‌ورزد چرا که از این نقطه نظر انتظار می‌رود که تغییر رفتار و انگیزش افراد، به خصوص زنان ایرانی بیشتر منسوب به تغییرات در امکانات سیستم اقتصادی و محیط اجتماعی باشد تا به خصوصیات فردی اشخاص (نظیر برداشت از خود، ارزشها، و علایق شخصی).

نمودار شماره ۱ که ارائه دهنده این دیدگاه است به این مطلب اشاره دارد که تاثیرات عوامل محیطی و اجتماعی به تصویر کشیده شده در دایره بیرونی، عامل رفتارها و نگرشهای ارائه شده در دایره میانی است که آن هم به نوبه خود بر انگیزش پیشرفت علمی/حرفه ای که در دایره درونی ارائه شده است تاثیر می‌گذارد. توضیح وصفی کوتاهی از هر یک از عوامل به کار گرفته شده در این پژوهش به شرح زیر است.

### اجتماعی شدن اولیه

چندین مطالعه بر این نتیجه‌گیری صحه گذاشته‌اند که آموزش‌های اولیه در تقویت انگیزه پیشرفت و رفتارهای دستاوردی، و بطور کلی الگوهای تربیت کودک به خصوص در خانواده‌های طبقه متوسط (Moss & Kagan, 1961; Crandall & Battle, 1970). آمریکایی برای دختران و پسران متفاوت است



این مطالب در ایران نیز صدق می‌کند. به طور سنتی، مردان ایرانی با هدف پیشرفت و نایل شدن به دستاوردهایی تعلیم می‌بینند، شرایط تحصیل آنها فراهم می‌شود، تشویق به کسب حرفه و سخت کوشی و بدست آوردن استقلال می‌شوند. در سنت به زنان ایرانی اما، یاد داده می‌شود که نگران کسب حرفه یا شغلی نباشند چون زن قرار نیست که حامی یا سرپرست خودش باشد (یعنی همسر و یا خانواده‌اش از او حمایت می‌کنند). به دختر یاد داده می‌شود که برای برنده شدن سخت کوشی نکند، زیاد از حد مستقل نباشد بلکه مطیع باشد؛ از همسر خود و دیگر مردان اطراف خود عصبانی نشود؛ خجالتی باشد و هنوز هم به پسران توجه" (Rubovits, 1975; Sedghi, 1976). به ندرت بخندد و کمتر حرف بزند بیشتری نسبت به دختران می‌شود. به واسطه نگرشهای سنتی و مذهبی، تعاملات اجتماعی برای زنان به (Salili, 1979, p. 2) "طور کلی به مراتب محدودتر است

## تفاوت‌های طبقه اجتماعی

فرد در ایران پایین‌تر باشد، میزان تحرک اجتماعی، دسترسی (SES) هرچه موقعیت اقتصادی-اجتماعی به آموزش و ایده‌های مدرن، به آزادی در انتخاب شغل، دسترسی به تکنولوژی نوین و یا روش زندگی مدرن، دسترسی به تسهیلات مراقبت از کودک، انعطاف پذیری در گزینه‌های ازدواج و مواردی از این قبیل محدودتر خواهد بود.

بیشتر زنان ایران اعضای طبقه پایین جامعه هستند. زنان بیش از نیمی از بار کارهای کشاورزی، قالی بافی، و دیگر صنایع سنتی در مناطق روستایی را به دوش می‌کشند و یا به صورت کارگر در کارخانجات و یا خدمات شهری (مدنی) در مشاغل کم درآمد مشغول به کار هستند. با این وجود اکثر آنها حقوق بگیران مستقل نیستند. در کل کشور، در سال ۱۹۷۱، درصد زنان زحمتکش با درآمد غیر مستقل (یعنی زنانی که حقوقشان از طریق شوهران، پدران و یا برادرانشان پرداخت می‌شود و یا اینکه درآمدشان از کاری که می‌کنند، توسط افرادی مشابه این مردان مدیریت می‌شود)، ۵۹ درصد بوده است (سازمان برنامه ۱۹۷۳). این زنان به مشاغل خود به عنوان یک منبع رضایت بخش شخص خود یا در جهت مشارکت در امور جامعه نگاه نمی‌کنند بلکه از آن به عنوان یک ناگزیری و ضرورت یا تدبیر اقتصادی یاد میکنند (Sedghi, 1976; Selili, 1979).

بنابراین علی‌رغم همه تغییرات ایجاد شده در فرهنگ و جامعه ایران در طول چند دهه گذشته، جایگاه نسل جدید زنان ایران هنوز به طور قابل ملاحظه‌ای وابسته به وضعیت اقتصادی-اجتماعی آنها است. به نظر می‌رسد که ایده‌ها و روشهای نوین در رابطه با نقش زنان در جامعه، در مرحله اول، زنان طبقه بالا و متوسط بالای جامعه در مناطق شهری را تحت تاثیر قرار داده است و هنوز به ندرت اثری بر طبقه پایین مناطق شهری و روستایی گذاشته است. شواهد نشان می‌دهد که ورود و معرفی تکنولوژی مدرن، که در مناطق پرجمعیت و فقیر روستایی کندتر صورت می‌گیرد، ممکن است عملاً نابرابری جنسیتی (Callaway, 1975) طبقات پایین و متوسط رو به پایین ساکن در این مناطق را حتی بیشتر کند

## مذهب در ایران

در ایران، اسلام به عنوان یک دین مرد محور، به تسلط نهادینه مردان بر زنان یاری بخشیده است. نهادهای دینی به نقش‌ها و مسئولیت‌های فعال و مسلط مردان در نهادهای اقتصادی، تجاری، تحصیلی و

تقریباً همه نهادهای اجتماعی مهر تایید زده است. در نهاد خانواده، تسلط مرد از طریق ازدواج و طلاق به عنوان یک امتیاز مردانه، چند همسری، سیستم صیغه (تمهیدی برای ازدواج موقت که می‌تواند از چند دقیقه تا ۹۹ سال به طول انجامد)، و مواردی از این قبیل تامین می‌شود. علاوه بر این، قوانین وراثت اسلامی به زنان حق داشتن تنها یک چهارم دارایی همسرشان را در صورت نداشتن فرزند و یک هشتم در صورت داشتن فرزند می‌دهد. حق ارث دختران نصف آنچه است که برادرانشان به ارث می‌برند (سلامی ۱۹۷۲). زنان هنوز می‌بایست در حضور مردان، چادر و یا روسری‌های بلند به سر کنند

با توجه به این واقعیت که بیش از ۹۰ درصد جمعیت ایران مسلمان هستند، به رغم تاثیر فزاینده فرهنگ غرب، رسوم و ارزشهای اسلامی هنوز پایه ای قوی در فرهنگ و جامعه ایرانی دارند. بنابراین انتظار ((Lipman-Blumen, 1972; Apler, 1874; Bern, 1974)) می‌رود که در ایران، همانند آمریکا اندازه گیری ما از میزان انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای در میان زنانی که تمایل به نقش‌های سنتی زنانه دارند درجات پایین‌تری را در مقایسه با آن دسته که تمایلاتی غیر سنتی و کمتر مذهبی دارند، نشان دهد.

با این وجود، برای مطالعه تاثیرات اسلام بر روی موقعیت زنان و میزان اشتیاق و انگیزه آنان به پیشرفت و موفقیت در جامعه فعلی ایران (دهه ۱۳۵۰ شمسی)، باید تغییرات و اصلاحاتی را که از طریق جنبش اسلامی جدید در حال به وقوع پیوستن است را نیز در نظر گرفت. بخشی از اعتقادات و ارزشهای مذهبی تا حدودی با وضعیت اقتصادی - اجتماعی جدید سازگار شده است. در طول ۱۵۰ سال گذشته، سیستم تولید سرمایه داری به تدریج جایگزین سیستم اقتصادی شبه فئودالی قدیم شده است که منجر به تحولات اجتماعی و فرهنگی بسیاری گردیده است. برای مثال بسیاری از خانواده‌های ایلی و گسترده روستاها به خانواده‌های شهری هسته ای (محدود به پدر و مادر و فرزندان) شده است. با افزایش هزینه‌های زندگی برای اکثریت مردم و دیگر تغییرات در شیوه زندگی، دیگر اغلب مردان توانایی مالی ازدواج با بیش از یک همسر را ندارند و آن دسته‌ای که از نظر مالی توانایی دارند نیز از انجام آن نهي می‌شوند. علاوه بر این بسیاری از زنان شهری در خانواده‌های هسته‌ای یا می‌خواهند و یا از لحاظ اقتصادی ناگزیرند کار بیرون از خانه نیز داشته باشند. این ضرورت‌های اقتصادی و واقعیت‌های متحول اجتماعی دیگر قابل انکار یا سرکوب شدن با نگرشهای مذهبی - سنتی نیستند.

بعضی از دیدگاه‌های اسلامی جدید با عقاید کهنه و جنبه‌های سنتی و متعصبانه مذهبی متفاوتند. گرایش‌های جدید در جنبش اسلامی (برای مثال آنچه توسط علی شریعتی [4] و یا جوانان مجاهد [5] پیرو او ارائه می‌شوند)، نقش مهمی در تغییر ارزشها و نگرشهای اجتماعی - فرهنگی و همچنین سیاسی نسل جوانتر ایران ایفا می‌کنند. هم اکنون شاهد افزایش تعداد زنان نسل جدیدی هستیم که به دبیرستان و دانشگاه می‌روند، در کارخانجات و ادارات خدمات مدنی مشغول به کارند و به عنوان پوشش، دیگر از چادر سنتی استفاده نمی‌کنند، بلکه در پوششی جدید با آستین‌های بلند و روسری، آنچه که "مد اسلامی" خوانده می‌شود، ظاهر می‌شوند (برای آنها پوشش جدید هم راحت تر است و هم در ارتباط با فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی زنان به طور قابل توجهی کمتر محدودیت ایجاد می‌کند).

بنابراین، این نوع تفاسیر و تعابیر جدید از عملکرد اسلام، ارزیابی یا پیش بینی و توضیح روشها و مکانیسم‌هایی را که مذهب بر روند کسب موفقیت نسل جدید زنان ایرانی تاثیر می‌گذارد را پیچیده و نامعین می‌کند.

## بستر و زمینه اجتماعی

بعضی مطالعات اخیر قوت و ثبات اثرات تربیت و "اجتماعی شدن اولیه" را بر انگیزه زنان و مردان به چالش کشیده‌اند و بر این اعتقادند که تحول در قواعد و موانع و مصوبات رایج در محیط اجتماعی و (Maehr, 1974; B. Weiner, 1974) محیط کار میتواند رفتار و انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای را دستخوش تغییر کند لذا در این پژوهش اثرات دو بعد ویژه ازبستر یا ابعاد اجتماعی را مورد بررسی قرار. (Farmer, 1976). می‌دهیم: تبعیض در جامعه و محیط کاراز یک سو و منابع موجود یا در دسترس در جامعه

### تبعیض در جامعه

(U.S. Department of Labor, 1974; Sweet, 1974) مطالعات مربوط به این زمینه در امریکا نشان می‌دهد که زنان در نیروی کار از حیث آموزش، استخدام، ارتقا و افزایش حقوق مورد تبعیض واقع همچنین زنانی که نقش. (Astin, 1973; Fuchs, 1974; Parrish, 1974; Blitz, 1974) می‌شوند سنتی کلیشه ای دارند و از انگیزه حرفه‌ای پایینی برخوردار هستند، در اندازه‌گیریهای مربوط به تبعیض (Farmer, 1976) در جامعه نمره بالاتری کسب می‌کنند

### منابع موجود در جامعه

علی رغم همه تغییراتی که در ۴۰-۵۰ سال گذشته در ایران رخ داده است، هنوز سیستم آموزشی و نهادهای سیاسی، حقوقی و اقتصادی، برتری مردانه را تقویت می‌کنند. فرصتهای تحصیلی به مراتب راحت تر از زنان در دسترس مردان قرار می‌گیرد. آمار ملی ایران در سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰ شمسی) نشان می‌دهد که افزایش سواد آموزی در مناطق شهری در میان مردان ۲۲ در صد بیش از زنان است. این میزان، در مناطق روستایی نیز، برای مردان بالاتر از زنان بود (صدقی ۱۹۷۶). میزان سواد آموزی در طول سالهای ۱۹۵۶-۱۹۶۸، فقط ۱.۲ درصد برای زنان شهری و ۰.۴ درصد برای زنان روستایی بود. ((سازمان برنامه، ۱۹۷۳)

به علاوه، فقدان (۱) مصوبات اجتماعی کافی و قانونگذاری قوی و پشتیبان برای حقوق و فرصتهای یکسان برای زنان و مردان و (۲) منابع حمایتی مانند تسهیلات کافی نگهداری از کودک از جمله متغیرهای کلیدی مربوط به تقویت انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای زنان در ایران هستند. این همبستگی مثبت میان منابع حمایتی و تسهیلات در محیط کار در پژوهشی بر روی زنان آمریکایی نشان داده شده است: یعنی در بستر اجتماعی آمریکا، هرچه امتیاز کسب شده توسط افراد شرکت کننده در اندازه گیری‌های فاکتور ((Farmer, 1976) حمایت جامعه بالاتر باشد، انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای شان نیز بالاتر بوده است پژوهش حاضر همین ارتباط را با نمونه‌های ایرانی مورد آزمایش قرار داده است

### فرضیات

: این پژوهش بر اساس فرضیات زیرتدوین شده است

تجربه تربیت و اجتماعی شدن اولیه یکی از عوامل مربوط به انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای برای ۱.

شرکت کنندگان در این پژوهش است.

۲. با انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای در (Socio-Economic Status) وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین ترمی تواند به تفاوت های کمتری بین SES نسبتا بالا در مقایسه با SES ارتباط هستند به طوری که نگرش زنان و مردان در باب رفتارهای مربوط به حرفه یا پیشرفت منجر شود

۳. هرچه مذهب سنتی بیشتر ارج گذاشته شود، انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای در میان زنان کمتر خواهد بود.

۴. یک همبستگی مثبت بین تعصب مذهبی و تبعیض جنسیتی و یک همبستگی منفی بین اعتقاد به تبعیض جنسیتی و انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای فرد وجود دارد

۵. منابع و حمایت های موجود در جامعه به طور مثبتی انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای را در مردان و زنان پیش بینی می کنند

## متدولوژی: روش انجام پژوهش

### افراد مورد مطالعه

نمونه مورد مطالعه شامل ۲۲۰ دانش آموز دبیرستانی سال آخر در ایران بودند (۱۱۰ مذکر و ۱۱۰ مونث). این افراد بین ۱۷ تا ۱۸ سال سن داشتند و در مدارس دولتی یا نیمه خصوصی در تهران مشغول به تحصیل بودند. تلاش بر انتخاب دانش آموزان از مدارس بود که واقع در مناطق مسکونی متعلق به طبقه متوسط رو به بالا و متوسط رو به پایین باشند. برای دستیابی به معیارهای مشخص تری برای طبقه داده هایی نیز در مورد پیش زمینه اقتصادی-اجتماعی افراد شرکت کننده از قبیل SES بندی دو گروه تحصیلات، شغل و درآمد والدین و همچنین شرایط سکونت آنان جمع آوری شدند

### شیوه کار

شش ابزار سنجش (تست) که متغیرهای وابسته و مستقل را ارزیابی می کردند به کار گرفته شد. این تست ها با استفاده از تکنیک ترجمه و بازترجمه معکوس [6] به فارسی برگردانده شدند

ل های ۱۹۷۷-۷۸ میلادی برابر با ۱۳۵۶-۵۷ خورشیدی توسط داده ها در تهران، ایران، در طی سا نویسنده این سطور و یک دانشجوی فوق لیسانس ایرانی جمع آوری شده اند. آزمایش ها در محیط گروهی انجام شدند و به دانش آموزان گفته شد که جواب صحیح یا غلط وجود ندارد و نتایج هیچ تاثیری بر نمرات آکادمیک و یا سابقه آنها در مدرسه نخواهد داشت. آزمایش ها با یک سری از اعداد، کد گذاری شدند و افراد ملزم به نوشتن اسمشان نبودند. پس از تکمیل پرسشنامه، از افراد خواسته شد در صورت تمایل اطلاعاتی را پیرامون زمینه اقتصادی-اجتماعی خود در یک پرسشنامه جداگانه وارد بکنند. حدود ۹۰ درصد شرکت کنندگان این کار را انجام دادند. ۱۴ تن از شرکت کنندگان، به علت ناقص بودن پاسخ ها در پرسشنامه ها از تحلیل ها حذف شدند

## (متغیرهای وابسته) معیارها

### :انگیزه پیشرفت علمی/آکادمیک

مورد Atkinson, 1958 ازآزمون سنجشی Horner, 1968 نمونه‌های کلامی بدست آمده توسط استفاده واقع شدند که از درون داستانهای تخیلی که بر میانگیزد، انگیزه پیشرفت فرد استخراج و اندازه دارای Horner آزمایش در مطالعه (interjudge rescore) گیری می شود. ضریب اطمینان درجه (Horner, 1974) انگیزه یا نیاز به پیشرفت) بود (nAch برای 93. rank-order همبستگی بندی ونمره گذاری این آزمایش توسط من و همکارم (دو ارزیاب مستقل) و بر طبق سیستم درجه بندی مطرح شده بود، انجام گرفت. ضریب اطمینان Aktinson, 1985 تحلیل محتوی که توسط (interjudge rescore) 91) در طیف قابل قبولی بود (.

ارزیابی انگیزه پیشرفت تحت شرایطی خنثی انجام شد و هیچگونه تلاشی برای ایجاد یک جو تحریک (McClelland, 1967). کننده یا آرامش بخش صورت نگرفت

از شرکت کنندگان خواسته شد که دستورالعمل‌های چاپ شده در مورد آزمایش را بخوانند، در عین حالی که آزمایش کننده نیز آنها را با صدای بلند قرائت می‌کرد. از طریق سیستم امتیاز بندی (نمره گذاری) و تحلیل محتوای نشانه‌ها (سرنخ‌ها) به دنبال اندازه گیری انگیزه پیشرفت بودیم. اما هر دو ارزیاب به طور مستقل از هم متوجه یک موضوع غالب در داستانهای نوشته شده توسط شرکت کنندگان ایرانی شدیم، یعنی تمی را کشف کردیم که منعکس کننده تصویری از انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای مورد انتظار نبود، بلکه نشان دهنده اشتیاق افراد به ازدواج یا ارتباط با جنس مخالف بود. موضوع انگیزه ارتباط با جنس مخالف که متفاوت از تصویر "پیشرفت علمی/دانشگاهی" بود، به کرات در داستانهای نوشته شده افراد مورد آزمایش نمایان گردید به طوری که تصمیم گرفتم آن انگیزه را به عنوان یک مقوله جدا در نظر بگیریم و آن را در لیست متغیرهای وابسته (معیار) دسته بندی کنیم. این تم یا موضوع غالب معمولاً شامل یک داستان عشقی بود با انتظار یک انتهای غمگین و یا شکست در ازدواج که عمدتاً به خاطر موانع ایجاد شده که از تنشهای موجود بین خواسته‌های شخص و ارزشهای سنتی والدین حاصل می‌شد و یا داستانی بود با انتهای شاد (یعنی ازدواج کردن و داشتن زندگی خوب همراه با آرامش)، که عمدتاً توسط شرکت کنندگان دختر ارائه می‌شد و یا ایجاد یک عشق خوب و رابطه جنسی که توسط پسران بیان می‌شد.

بنابراین یافته های اولین آزمایش برای دو عامل معیار (متغیرهای وابسته) اندازه گیری شدند یعنی هم برای "انگیزه پیشرفت علمی" و هم موضوع غالب غیر منتظره که می‌توان از آن به عنوان «انگیزه ازدواج» (اغلب در مورد دختران) و یا «انگیزه ارتباط با جنس مخالف» (اغلب در مورد پسران) یاد کرد. هر دو موضوع تحت یک روش اندازه گیری (یا نمره‌بندی) شدند.

### :انگیزه پیشرفت حرفه‌ای/شغلی

با Roe (1956) □ Holland(1973) متغیر معیارسوم، یعنی انگیزه شغلی یا حرفه‌ای با استفاده از روش



نمره دادن به رویا پردازی شغلی و سطح ابراز شده از اشتیاق حرفه‌ای شرکت کنندگان اندازه گیری شد. برای روش کار بیش از مقداری بود که قبلا برای آزمایش ( $kappa = .44$ ) اعتبار پیش بینی شده ضریب اعتباری  $kappa = .33$ ). طراحی شده بود مطرح شد Holland طولانی‌تر که توسط است که برای داده‌های اسمی استفاده می‌شود. ضریب اطمینان داده برای محاسبات رویا پردازی بین انجام گرفت که به طور (Duncan 1961) 71 تا 67 بودند. درجه بندی آزمایش بر اساس مقیاس تقریبی برای استفاده در نمره گذاری سطح بیان شده اشتیاق حرفه‌ای در بین شرکت کنندگان ایرانی [مورد تطابق واقع شده بود. 7]

## متغیرهای مستقل

علاوه بر جنسیت، متغیرهای پیش بینی کننده‌ای که در زیر مورد بررسی واقع می‌شوند، ارائه دهنده (Farmer, 1976; Fyans, 1977). عواملی هستند که قبلا از طریق پرسشنامه در آمریکا مورد اندازه گیری قرار گرفته بودند

Fyans اجتماعی شدن اولیه: شکل گیری روابط اجتماعی اولیه با وسیله ای اندازه گیری شد که توسط طراحی شده است تا سه جنبه ادراک یک شخص را از تجربه‌های اولیه یادگیری با والدین و (1977) کیفیت محیط منزل و (b) تشویق والدین به استقلال مالی و عاطفی □ (a): خواهر و برادرانش را بسنجد (روابط از لحاظ عاطفی (گرم و صمیمی، رضایت بخش در مقابل سرد و بی‌احساس، پس زننده)؛ و ارزش گذاری به دستاوردهای شخص توسط والدین، خواهران و برادران، بستگان و «دیگران مهم» (c). ضریب اطمینان این سنجش 86 بود.

زمینه اجتماعی □ منابع موجود در جامعه: آزمونی برای اندازه گیری درجه برداشت افراد از میزان حمایت و منابع موجود در محیط برای نیل به آرزوهای آکادمیک و حرفه ای شان طراحی شد. این آزمون نگرشها و انتظارات «دیگران مهم» □ (a): برداشت فرد از عوامل و منابع زیر را مورد سنجش قرار میداد برابری دسترسی به تسهیلات آموزشی، استخدامی، دسترسی به تسهیلات مراقبت از کودکان، تسهیلات (b) قوانین (c) خانه داری، کمک های خانگی، و تقسیم کار خانه و خانه داری مشترک توسط هر دو زوج... و حمایتی در کشور و سیاست های حمایتی از طرف دولت. ضریب اطمینان بدست آمده در این ابزار (Farmer, 1976) سنجش 55 بود.

زمینه اجتماعی، تبعیضات موجود در جامعه: این ابزار نظرسنجی از نوع مقیاس لیکرت بود که ۱۳ مورد تبعیضات را شامل میشد. یعنی موارد اعتقاداتی که به طور معمول توسط کارفرمایان و مربیان پذیرفته شده است که به موجب آن زنان در محیطهای آموزشی و شغلی مورد تبعیض واقع می‌شوند. این لیست، درک افراد و نگرش آنان را در مورد این گونه اعتقادات اندازه گیری می‌کرد، اعتقاداتی که در انگیزه پیشرفت آکادمیک و حرفه‌ای زنان نقش بازدارنده دارند. ضریب اطمینان این تست 93 بود.

(Salili, 1976) دین یا مذهب: میزان مذهبی بودن افراد شرکت کننده به وسیله پرسشنامه‌ای که توسط گزینه‌ها را بر اساس یک سری Salili. و نویسنده این سطور طراحی شده است، اندازه گیری شد مصاحبه که در مشهد، ایران انجام داده بود تکمیل کرد. من بعضی از موارد گزینش شده را با در نظر

که به (Robinson & Shaver, 1973)) گرفتن نقدی از ۱۷ آزمایش مربوط به دیدگاه‌های مذهبی مختلف. طور رایج در آمریکا مورد استفاده واقع می‌شوند، انتخاب و انطباق داده، پرسشنامه را بسط دادیم.

افراد مورد مطالعه به دو طبقه متوسط رو به بالا و متوسط رو به پایین (SES) وضعیت اقتصادی - اجتماعی پایین تقسیم شدند. مبنای این طبقه بندی عبارت بود از نوع مدرسه آنها (مدرسه خصوصی در شمال تهران و یا مدرسه دولتی در قسمت جنوبی تهران) و نیز اطلاعات شخصی شامل تحصیلات، شغل، و درآمد والدین و شرایط سکونت (مالکیت خانه، تعداد افرادی که در خانه زندگی می‌کنند و...). در این جا دسترسی به رسانه ها مثل رادیو، تلویزیون و روزنامه هم لحاظ شده بود.

## طرح آزمایش

برای آزمودن میزان درستی یا نادرستی فرضیه (MRA)) "روش آماری" تحلیل‌های رگرسیون چند گانه های این پژوهش (بنگرید به پنج فرضیه لیست شده در صفحات قبل) به کار گرفته شد. هدف این بود که مشخص شود هر یک از متغیرهای مستقل (پیشگو) تا چه حد توان پیش بینی تفاوت در شدت و ضعف انگیزه پیشرفت حرفه‌ای، را داشته‌اند. (b انگیزه پیشرفت علمی، و a) (واریانس) متغیرهای وابسته یعنی به عنوان متغیرهای پیش بینی MR متغیرهای تعیین شده در بالا به عنوان "معیار" در بعضی از تحلیل‌های انگیزه پیشرفت حرفه‌ای، "متغیر وابسته" MR کننده مورد استفاده قرار گرفتند. برای مثال در یک معادله تلقی شد ولی "انگیزه پیشرفت علمی" و "انگیزه ارتباط با جنس مخالف"، به متغیرهای مستقل اضافه شدند. از آنجایی که رابطه علت و معلولی خاصی بین متغیرها وجود ندارد، به نظر رسید که این دستکاری در معیارهای تعیین شده قابل قبول باشند تا انواع ارتباط‌های ممکن بین این عوامل روشن گردد. به علاوه برای مشخص کردن بهترین و قوی‌ترین عوامل پیش بینی کننده انگیزه پیشرفت بهره جستیم که بر مبنای چهار (DFA) "علمی/حرفه‌ای، از روش آماری" تحلیل تفکیکی کارکردها ترکیب خطی (دو گروه طبقاتی اقتصادی - اجتماعی بالا و پایین در ترکیب با دو گروه جنسیتی دختران و پسران) انجام گرفت.

## نتایج و بحث

ضریب همبستگی پیرسون میان داده‌ها نشان می‌دهد که همبستگی معنادار بالایی بین متغیرمعیار "انگیزه پیشرفت حرفه‌ای/شغلی" و اکثر متغیرهای پیشگو (پیش‌بینی کننده) وجود دارد (جدول شماره ۱). همچنین اولین تجزیه و تحلیل رگرسیون نشان داد که ترکیب متغیرهای پیش‌بینی کننده با هم، توضیح دهنده ۳۷ درصد واریانس "انگیزه حرفه‌ای/شغلی" هستند. متغیرهای جنسیت، تبعیضات در جامعه/محیط کار، و انگیزه ارتباط با جنس مخالف، بالاترین سهم را در پیش بینی میزان "انگیزه حرفه‌ای" داشته‌اند. (جدول شماره ۲)

جدول شماره ۱ ماتریکس همبستگی برای متغیرهای پیش‌بینی‌کننده و متغیرهای معیار

متغیرها	پیش‌بینی‌کننده‌ها									
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
پیش‌بینی‌کننده‌ها										
(۱) انگیزه حرفه‌ای (a)	۱/۰۰									
(۲) انگیزه حرفه‌ای (۱)	۰/۷۲(ج)	۱/۰۰								
(۳) انگیزه پیشرفت علمی	۰/۰۲	۰/۰۱	۱/۰۰							
(۴) انگیزه ارتباط با جنس مخالف	۰/۱۸(ج)	۰/۱۵ (د)	۰/۰۵	۱/۰۰						
معیارها										
(۵) جنسیت	۰/۴۶(ج)	۰/۳۶(ج)	۰/۰۰	۰/۱۵(د)	۱/۰۰					
(۶) وضعیت اقتصادی-اجتماعی	۰/۲۷(ج)	۰/۱۵	۰/۰۸	۰/۱۵(د)	۰/۰۶	۱/۰۰				
(۷) اجتماعی شدن اولیه	۰/۲۴(د)	۰/۱۳	۰/۰۶	۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۱۶(د)	۱/۰۰			
(۸) درجه مذهبی بودن	۰/۱۴(د)	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۱۶(د)	۰/۳۱(ج)	۰/۱۱	۰/۱۰	۱/۰۰		
(۹) منابع جامعه	۰/۱۷(د)	۰/۰۹	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۳۰(د)	۰/۳۹(ج)	۰/۰۰	۱/۰۰	
(۱۰) تبعیض‌های جامعه	۰/۰۳	۰/۰۵	۰/۰۹	۰/۱۵(د)	۰/۵۲(ج)	۰/۲۷(د)	۰/۰۸	۰/۳۸(ج)	۰/۲۴(ج)	۱/۰۰

(الف) ۱=مونث، ۲=مذکر

(ب) ۱=طبقه متوسط رو به پایین، ۲=طبقه متوسط رو به بالا

(ج)  $p < .01, df = 204$

(د)  $p < .05, df = 204$

دختران ایرانی شرکت کننده در این پژوهش به خصوص آنهایی که از گروه (Tyler, 1964; Campbell, 1974; Harmon, 1975; Farmer, 1976) سازگار با نتایج بدست آمده از تحقیقات در آمریکا طبقه بندی اجتماعی-اقتصادی پایین‌تر بودند، سطح اشتیاق حرفه‌ای کمتری را نشان دادند. تاثیرات مثبت و وزن شرایط اقتصادی-اجتماعی در پیش‌گویی انگیزه حرفه‌ای نشان می‌دهد که همانگونه که بالاتر SES پایین‌تر، سطح پایین‌تری از اشتیاق حرفه‌ای را نسبت به گروه SES انتظار می‌رفت، گروه (نشان دهند). (جدول شماره ۲)

نتایج اولین تجزیه و تحلیل رگرسیون (مرتبط با چهارمین فرضیه این پژوهش) نشان داد که هرچه میزان حس تبعیض در جامعه پایین‌تر باشد، انگیزه حرفه‌ای فرد بالاتر خواهد بود (جدول شماره ۲). اما این همبستگی منفی بین تبعیض در جامعه و انگیزه حرفه‌ای، با نتایج بدست آمده از تحلیل‌های تفکیک کننده را مقایسه کنید). با این وجود، نتایج تست بکار رفته  $Y_1$  و  $Y_2$  به نظر سازگارترسید (شکل شماره ۲  $r = .52, p < .001$ ). حاوی همبستگی بالا و بسیار معنا داری است بین تبعیضات در جامعه و جنسیت که نشان دهنده این مطلب است که شرکت کنندگان پسرهنوز به مراتب بیشتر از دختران به کلیشه (001). های جنسی خرافی و نگرشهای تبعیض گرایانه جنسیتی باور دارند.

جدول شماره ۲ انگیزه‌های حرفه‌ای (۲): خلاصه بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها (الف)

پیش‌بینی‌کننده‌ها	$F, t$	ضریب همبستگی ( $\beta$ )	$R$	$R^2$	$N$	$df$
(۵) جنسیت	۷/۶۷ (ب)	۰/۵۲۵۸	۰/۶۱	۰/۳۷	۲۰۶	۲۹۷
(۶) وضعیت اقتصادی-اجتماعی	+۴/۴۱ (ب)	+۰/۲۷۲۳				
(۱۰) تبعیض در جامعه	-۲/۷۵ (ب)	-۰/۲۰۴۰				
(۴) انگیزه ارتباط با جنس مخالف	۲/۹۷ (ب)	۰/۱۷۳۳				

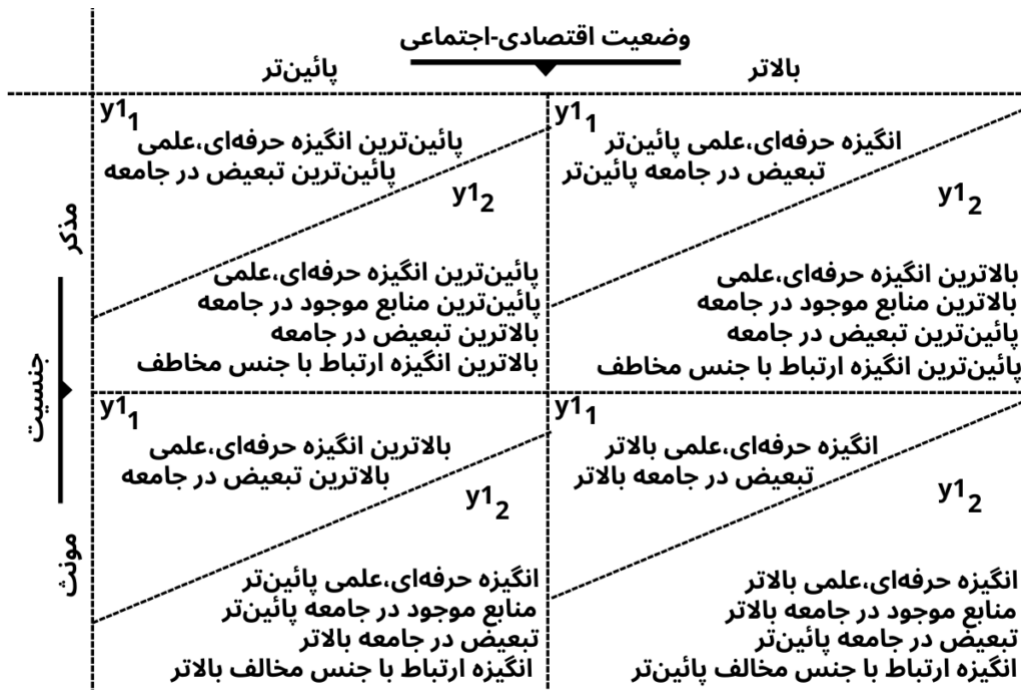
(الف)  $p < .01$ . نسبت  $F$  برای کل آزمایش رگرسیون خطی چندگانه بر  $\alpha < .01$  قابل توجه است. انگیزه حرفه‌ای  $F_{obs} = 14/66$

(ب) قابل توجه در هر دو تست، تست  $t$  و تست  $F$

نه هیچ ترکیب خطی از متغیرهای پیش بینی کننده توانستند توضیح گر آماری واریانس (شدت و ضعف) “انگیزه پیشرفت علمی/آکادمیک” باشند و نه هیچ همبستگی ساده و از لحاظ آماری معتبر و معنا داری بین “انگیزه پیشرفت علمی/آکادمیک” و متغیرهای پیشگو به دست آمد (جدول شماره ۱). نمره متوسط مربوط به انگیزه پیشرفت علمی در میان پسران و دختران به ترتیب ۲.۱۳ و ۲.۱۴ بود که در مقایسه با داده های پژوهش ها در آمریکا، خیلی پایین است. در آمریکا نمرات متوسط برای پسرها ۶.۳ و برای دخترها ۵.۴ (Atkinson & Raynor, 1974). گزارش شده است

از این داده ها می توان چنین نتیجه گرفت که نشانه های فرافکنانه ای که در تست های اندازه گیری “انگیزه پیشرفت علمی” گنجانده شده بودند، نتوانستند در شرکت کنندگان ایرانی این پژوهش، تم ها و تصاویر قابل توجهی حاکی از اشتیاق به پیشرفت علمی را برانگیزانند. بلکه آن نشانه ها، تصاویر و موضوعاتی را برانگیختند که منعکس کننده درگیری ها و دغدغه عمیق این جوانان در روابطشان با جنس مخالف و یا آرزوی موفقیت در ازدواج مطلوب بود. برای مثال، در اولین نشانه فرافکنانه تصویری (که یک زن یا مرد جوان در حال صحبت کردن راجع به یک امر مهم با یک فرد مسن تر است)، محتوای داستانهایی که افراد شرکت کننده نوشته اند، غالباً راجع به یک «زن جوان» (در مورد شرکت کنندگان مونث) بود که سعی می کند از یک فرد مسن تر در مورد مسائل مربوط به ازدواج و یا تنشهای بین نسل های جدید و قدیم، به خصوص در رابطه با ارزشهای سنتی و مذهبی در باره داشتن «دوست پسر یا دختر»، تعاملات اجتماعی و موضوعاتی از این قبیل مشورت بطلبد. به ندرت دیده شد که محتوی داستانهایی مربوط به «مرد جوانی» (در مورد شرکت کنندگان مذکر) باشد که توسط «یک شخص مسن» برای استخدام مصاحبه می شود.

به عنوان یک مثال دیگر، سومین نشانه تصویری (احمد/ پروین بر روی یک صندلی نشسته اند و لبخندی بر صورت دارند) به ندرت توانست تم یا موضوعی حاکی از انگیزه قوی در زمینه علمی، حرفه ای، یا شغلی باشد. بلکه در عوض داستانها اغلب علاقه به جنس مخالف را مطرح می کردند. در داستانهای پسران، تم سرخوردگی در روابط با جنس مخالف شایع و غالب بود. برای دختران، نگرانی جدی در باب ازدواج و مسائل مربوط به آن بود. اگر پیش زمینه اجتماعی-فرهنگی افراد در نظر گرفته شود، فهمیدن چرایی چنین یافته هایی کار دشواری نیست. در معرض قرار گرفتن نسل جوان با ارزشهای اجتماعی جدید که در تضاد قابل توجهی با اخلاقیات و نگرشهای سنتی است، منجر به یک فاصله، تنش و نزاع در خور توجه بین دو نسل شده است.



به رغم وضعیت در حال گذار جامعه ایران، رضایت بخش‌ترین کارکرد زنان، بخصوص زنانی که به طبقه روستایی و پایین جامعه تعلق دارند، هنوز بچه داری است. هدف غالب یک زن ازدواج کردن با مردی است که دارای پرستیژ اجتماعی و موقعیت اقتصادی خوبی باشد و بتواند یک رضایت پیشرفت یا خاطر نشان می‌کند، زنان ایرانی (Salili, 1979) دستاوردی نیابتی را برای او تامین کند. همانگونه که (معمولا با عناوین حرفه‌ای همسرانشان مورد خطاب واقع می‌شوند) خانم دکتر فلانی

بنابراین، در مورد شرکت کنندگان مؤنث در این پژوهش، ظهور مکرر تمها و تصاویر مربوط به ازدواج می‌تواند به عنوان روشی خاص برای بیان انگیزه پیشرفت (اما نه علمی و آکادمیک) تلقی شود. حداقل، به نظر می‌رسد که یک ازدواج موفق به عنوان هدفی برای دستیابی و یا به عنوان یک موفقیت بزرگ (اگر نگوئیم بزرگترین) انگاشته می‌شود.

به طور خلاصه، در این داده‌ها، بین انگیزه ازدواج و یا علاقه ارتباط با جنس مخالف، جنسیت، و شرایط اقتصادی اجتماعی، همبستگی معناداری وجود دارد (جدول شماره ۱) که نشان دهنده این مطلب است که زنان و شرکت کنندگان متعلق به طبقه بالاتر درجه کمتری از انگیزه ارتباط با جنس مخالف را در مقایسه با مردان و شرکت کنندگان متعلق به طبقه پایین‌تر ابراز می‌کنند. همچنین، بنا به نتایج تکنیک آماری رگرسیون چندگانه، اشتیاق به ارتباط با جنس مخالف به عنوان یکی از بهترین پیش بینی کننده‌های و انگیزه (SES) انگیزه شغلی/حرفه‌ای ظاهر شد. (جدول شماره ۲). وضعیت اقتصادی اجتماعی پیشرفت حرفه‌ای، زمانی که به عنوان متغیر معیار لحاظ شدند، بالاترین سهم را در پیش بینی انگیزه ارتباط با جنس مخالف، ایفا کردند (جدول شماره ۳). بر اساس این یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که جوانان طبقه پایین‌تر، بخصوص پسران، سرخوردگی بیشتری در باب روابط با جنس مخالف احساس می‌کنند و نیز در مقایسه با طبقه بالاتر، دسترسی کمتری به تعاملات اجتماعی مدرن و غیر سنتی دارند. بنابراین اشتیاق یا انگیزه قوی تر برای پیشرفت حرفه‌ای/شغلی در میان افراد طبقه پایین‌تر می‌تواند به عنوان پیگیری کانالی به سمت یک سبک زندگی آزادتر و مدرن‌تر نیز مورد توجه و تعبیر قرار گیرد.

جدول شماره ۳ انگیزه ارتباط با جنس مخالف: خلاصه بهترین پیش‌بینی‌کننده‌ها (الف)

پیش‌بینی‌کننده‌ها	F, t	ضریب همبستگی ( $\beta$ )	R	R <sup>2</sup>	N	df
وضعیت اقتصادی-اجتماعی (۶)	(ب) ۲/۷۸	۰/۴۱۰۵	۰/۳۳	۰/۱۱	۲۰۶	۱۹۷
انگیزه حرفه‌ای (a) (۱)	(ب) ۲/۹۷	۰/۲۴۶۶				

(الف) پیش‌بینی‌کننده‌ها: جنسیت، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، درجه مذهبی بودن، منابع جامعه، تبعیض‌های جامعه، انگیزه حرفه‌ای (a)، انگیزه پیشرفت علمی. معیار = انگیزه ارتباط با جنس مخالف.  $F_{obs}=۲/۹۹$ .  
(ب)  $p < .01$

مرتبط با هر یک از فرضیه‌های این پژوهش، نتایج را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

۱. گرچه عامل “اجتماعی شدن اولیه” نقش مهمی در پیش‌بینی متغیرهای معیار نداشت، ولی همبستگی ساده معنا داری را با انگیزه پیشرفت حرفه‌ای/شغلی نشان داد (جدول شماره ۱). این یافته می‌تواند گویای این مطلب باشد که هرچه افراد در کودکی برای کسب استقلال و پیشرفت حرفه‌ای بیشتر ترغیب شوند، انگیزه یا اشتیاق حرفه‌ای شان بالاتر خواهد بود. به نظر می‌رسد که این یافته اولین فرضیه این مطالعه و همچنین بعضی از تئوری‌ها که در امریکا مطرح شده است را تایید میکند (Rubovits, 1975).

۲. فرضیه دوم تقریباً به طور کامل با یافته‌ها سازگار بود: افراد طبقه بالاتر (طبقه متوسط رو به بالا)، زنان و مردان، امتیاز بالاتری در اندازه‌گیری‌های انگیزه پیشرفت علمی/حرفه‌ای نسبت به افراد طبقه پایین‌تر کسب کردند. افراد طبقه بالاتر همچنین اعتقاد کمتری به تبعیض جنسیتی نسبت به طبقه پایین‌تر داشتند (نمودارهای شماره ۱ و ۲). این یافته‌ها در تطابق کامل با توضیح و توجیهی است که برای ضرورت گنجاندن عامل طبقه اقتصادی-اجتماعی در این پژوهش ارائه شد.

۳. همانگونه که فرض شد، نتایج، نشان دهنده یک همبستگی قوی مثبت بین میزان مذهبی بودن و ۳ که خود نشان دهنده این است که اعتقاد  $(r = .31, p < .01)$  به تبعیضات جنسیتی بوده است به تبعیض جنسیتی با اعتقاد به مذهب سنتی ارتباط دارد. علاوه بر این، همبستگی آماری بین مذهبی بودن نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان مرد در مقایسه با زنان، نمرات بالاتری  $(r = .38, p < .01)$  و جنسیت در اندازه‌گیری مذهبی بودن بدست آوردند. با این حال به نظر می‌رسد این همبستگی با همبستگی مثبت یافته شده بین مذهبی بودن و انگیزه پیشرفت حرفه‌ای در تضاد باشد. بر طبق فرضیه سوم، در این جا انتظار یک همبستگی منفی می‌رفت. این ناسازگاری را می‌توان تا حدودی منتج از پیچیدگی فعلی نقش در حال تحول اسلام در تاثیر آن بر جهت‌یابی حرفه‌ای یا پیشرفت زنان و مردان در ایران دانست. به علاوه، ارتباط فی مابین مشاهده شده بین عوامل پیش‌بینی‌کننده (جدول شماره ۱) نیز تحلیل و تفسیر را پیچیده‌تر می‌کند و احتیاط بیشتری را برای تجزیه و تحلیل نتایج متناقض می‌طلبد.

۴. یافته‌های حاکی از وجود یک همبستگی معنی‌دار بین “منابع موجود در جامعه” و “انگیزه پیشرفت حرفه‌ای/شغلی” (جدول شماره ۱) و نیز نتایج تحلیل تفکیکی (نمودارهای شماره ۱ و ۲) همگی فرضیه پنجم را تایید کردند. هرچند باید تکرار کرد که هیچ یک از متغیرهای پیش‌بینی‌کننده نتوانست همبستگی

معنی داری را با دیگر متغیرمعیار- یعنی انگیزه پیشرفت علمی/آکادمیک- منجر شود. در عوض، "علاقه به ارتباط با جنس مخالف" یا "انگیزه ازدواج" همبستگی معنی داری را با متغیرهای پیش بینی کننده (جدول شماره ۱) نشان داد و یا ترکیب متغیرهای پیش بینی کننده، برای بعضی از واریانسها توضیح (دهنده بودند) (جدول شماره ۳).

## جمع بندی از نتایج

تأثیرات و نفوذ شرایط محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای گروهی از دانش آموزان دختر و پسر سال آخر دبیرستان های تهران در سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷) با استفاده از تکنیک های آماری چند سطحی و روش تحلیلی کلان مورد بررسی واقع شد.

یکی از نتایج مهم و جالب این پژوهش این است که ابزارهای سنجشگر و نشانه های تصویری تدوین شده در آمریکا که توسط استادان این حوزه ی پژوهشی به کار می رود، نتوانست در میان این دسته از نوجوانان ایرانی همان تم های معمول و مورد انتظار در میان نوجوانان آمریکایی را در زمینه "انگیزش پیشرفت علمی" استخراج کند. در عوض، نتایج این پژوهش در ایران آشکار ساخت که مشغولیت ذهنی غالب در میان نوجوانان، به خصوص گروه طبقه اقتصادی-اجتماعی پایین تر، نه اشتیاق به نائلت علمی و دانشگاهی، بلکه علاقه و نگرانی در زمینه ارتباط با جنس مخالف (برای پسران) و ازدواج مطلوب (برای دختران) بود. تفاوت های فرهنگی با آمریکا به عنوان یکی از علتهای شناسایی شد. استفاده از آزمایش ها با ابزارهای سنجشگر چندگانه و تعریف مشخص تر از انواع "پیشرفت" برای پژوهش های میان-فرهنگی و فرا-فرهنگی برای مطالعات بعدی توصیه شده است.

البته بخش بزرگی از یافته های این پژوهش با یافته ها روی شرکت کنندگان آمریکایی همسان و سازگار بود. برای مثال وجود تبعیض جنسیتی در جامعه از یک سو و وجود منابع و عوامل حمایتی اقتصادی، اجتماعی و قانونی، از سوی دیگر، در هر دو جامعه آمریکا و ایران نقش مهمی در پیش بینی انگیزه پیشرفت حرفه ای/شغلی ایفا کردند. در هر دو جامعه، افراد طبقه متوسط، سطح بالاتری از انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای را در مقایسه با طبقه پایین تر نشان داده اند.

اگرچه زنان ایرانی به عنوان یک گروه نسبت به مردان امتیاز کمتری در انگیزش حرفه ای/شغلی کسب کردند، اما زنان طبقه بالاتر، هم در انگیزه پیشرفت علمی و هم پیشرفت حرفه ای نمرات بالاتری از مردان به دست آوردند. زنان این طبقه همچنین برداشت و آشنایی بالاتری از منابع موجود در جامعه، و پایین ترین درجه از اعتقادات و نگرش های تبعیض جنسیتی را داشتند. بنابراین می توان نتیجه گرفت که برای این نمونه، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، منابع موجود در جامعه، تبعیض های اجتماعی و میزان ارزش گذاری به ازدواج از مهمترین عوامل در پیش بینی میزان انگیزه پیشرفت علمی/حرفه ای زنان ایرانی است.

میتوان (Farmer, 1976; Salili, 1979; Sedghi, 1976) از این مطالعه و دیگر مطالعات مشابه چنین نتیجه گرفت که در معرض آگاهی قرار دادن زنان با ارزشهای غیر سنتی و نقشها و الگوهای کلیدی از طریق تغییرات اساسی در عرصه تحصیلات، رسانه ها، قوانین و غیره می توان (Lockheed, 1975)

تأثیر قدرتمندی در کاهش تبعیض‌های جامعه و در نتیجه افزایش سطح انگیزش پیشرفت علمی/حرفه‌ای به جا گذاشت. نتایج همچنین نشان دهنده ضرورت پیشرفت شرایط مرتبط مانند منابع جامعه (برای مثال مراکز مراقبت از کودک، موقعیتهای شغلی بیشتر) هستند. مهتر آنکه، اگر انتظار توسعه در جهت رشد و پیشرفت علمی، حرفه‌ای و شغلی زنان را داریم، تغییرات واقعی بنیادی به سمت ارتقای شرایط عمومی اقتصادی-اجتماعی به ویژه برای اکثریت زنان ایرانی ضروری است.

## REFERENCES

Alper, T. Achievement motivation in women: Now-you-see-it-now-you-don't. *American Psychologist*, 1974, 29, 194-203.

Astin, H. *The woman doctorate in America*. New York: Russell Sage, 1973.

Atkinson, J. W. *Motives in fantasy, action and society: A method of assessment and study*. Princeton: Van Nostrand, 1958.

Atkinson, J. W., & Raynor, O. *Motivation and achievement*. Washington, D.C.: Winston, 1974.

Bern, S. The measurement of psychological androgyny. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 1974, 42, 155-162.

Birk, J., Cooper, J., & Tanney, N. Racial and sex role stereotyping in career information illustration. Paper presented at the annual meeting of the American Psychological Association, Montreal, August 1973.

Blitz, R. Women in the professions, 1890-1970. *Monthly Labor Review*, 1974, 97, 34-39. Brislin, R., Lonner, W., & Thorndike, R. *Cross-cultural research methods*. New York: Wiley, 1973.

Brislin, R., Lonner, W., & Thorndike, R. *Cross-cultural research methods*. New York: Wiley, 1973.

Callaway, H. The analysis of an educational setting: An anthropological approach. Paper presented at an international seminar sponsored by the Women's Organization of Iran, Tehran, August 1975.

Campbell, D. P. *SVIB-SCI1 manual* Stanford: Stanford University Press, 1974.

Crandall, V. C., & Battle, E. S. The antecedents and adult correlates of academic and intellectual achievement efforts. In J. P. Hill (Ed.), *Minnesota symposia on*



child psychology (Vol. 4). Minneapolis: University of Minnesota Press, 1970.

Farmer, H. What inhibits achievement and career motivation in women. *Counseling Psychologist*, 1976, 6(2), 12-15.

Farmer, H., & Bohn, M. Home-career conflict reduction and the level of career interest in women. *Journal of Counseling Psychology*, 1970, 11, 228-232.

Fuchs, V. Women's earnings: Recent trends and long-run prospects. *Monthly Labor Review*, 1974, 97, 23-25. Fyans, L. J., Jr. A new multiple level approach to cross-cultural psychological research. Unpublished doctoral dissertation, University of Illinois, Urbana-Champaign, 1977.

Harmon, L. Career counseling for women. In D. Carter & E. Rawlings (Eds.), *Psychotherapy for women: Treatment toward equality*. Springfield, Ill.: Charles C Thomas, 1975. Holland, J. *Making vocational choices: A theory of careers*. Englewood Cliffs, N.J.: Prentice-Hall, 1973.

Horner, M. Sex differences in achievement motivation and performance in competitive and non-competitive situations. Doctoral dissertation, University of Michigan, Ann Arbor, 1968. University Microfilms No. 69-112, 135)

Horner, M. The measurement and behavioral implications of fear of success in women. In J. Atkinson & J. Raynor (Eds.), *Motivation and achievement*. New York: Wiley, 1974.

Lipman-Blumen, J. How ideology shapes women's lives. *Scientific American*, 1972, 226, 34-42.

Lockheed, M. Female motive to avoid success: A psychological barrier or a response to deviancy? *Sex Roles*, 1975, 1, 41-50.

Maehr, M. *Sociocultural origins of achievement*. Monterey, Calif.: Brooks-Cole, 1974.

McClelland, D. C. *The achieving society*. New York: Free Press, 1967.

Moss, H., & Kagan, J. Stability of achievement and recognition seeking behaviors from early childhood through adulthood. *Journal of Abnormal and Societal Psychology*, 1961, 62, 504-513.

Parrish, J. Women in professional training. *Monthly Labor Review*, 1974, 97, 41-43. Plan Organization. *Degargonihaye ejtemaii-eghtesadi zanan Iran*. Socioeconomic changes of Iranian women. Tehran: Author, 1973.

Robinson, J. P., & Shaver, P. R. Measure of social psychological attitudes. Ann Arbor: University of Michigan Press, 1973.

Roe, A. *The psychology of occupations*. New York: Wiley, 1959.

Rubovits, P. C. Early experience and the achieving orientations of American middle-class girls. In M. L. Maehr and W. M. Stalling (Eds.), *Culture, child and school*. Monterey, California: Brooks-Cole, 1975.

Salami, P. *Hughugh e'zane' Irani dar seyre' tarikh*. The rights of Iranian women in history. In *Naghshe zan dar farhang va tamadon e Iran*. The role of women in the culture and civilization of Iran. Tehran: Women's Organization, 1972.

Salili, F. The development of achievement of moral judgment in Iranian children. Unpublished doctoral dissertation, University of Illinois, Urbana-Champaign, 1976.

Salili, F. Determinants of achievement motivation for women in developing countries. *Journal of Vocational Behavior*, 1979, 14, 297-305.

Sedghi, H. Women in Iran. In L. E. Iglitzin & R. Ross (Eds.), *Studies in comparative politics*. No. 6. Santa Barbara: Clio Books, 1976. 484

Tohidi Sweet, J. *Women in the labor force*. New York: Harcourt, 1974.

Tatsuoka, M. *Discriminant analysis: The study of group differences*. Institute for Personality and Ability Testing, 1970.

Tyler, L. The antecedents of two varieties of interest patterns. *Genetic Psychological Monograph*, 1964, 70, 177-227.

U.S. Department of Labor. *Handbook on women workers*. Washington D.C.: Women's Bureau, 1974.

Weiner, B. *Achievement motivation and attribution theory*. New Jersey: General Learning Press, 1974.

Werner, O., & Campbell, D. In R. Noroll & R. Cohn (Eds.), A handbook of methods in cultural anthropology. New York: American Museum of Natural History, 1970.

---

[1] Tohidi, N. Sex differences in achievement/career motivation of Iranian boys and girls. *Sex Roles* 11, 467-484 (1984). <https://doi.org/10.1007/BF00287473>

[2] این نوشته ترجمه مقاله‌ای است که ۲۶ سال پیش به زبان انگلیسی در مجله علمی "نقش‌های جنسی" در حوزه روانشناسی تربیتی به چاپ رسید. پژوهش‌ها و آزمایش‌های مربوط به این نوشته در ایران و آمریکا طی سالهای ۱۳۵۶ و ۵۷ (دو سال قبل از انقلاب)، به منظور نوشتن رساله دوره فوق لیسانس من انجام شد. این مقاله کوتاه مبتنی بر آن رساله، شش سال بعد از آن پژوهش‌ها در سال ۱۹۸۴ منتشر گردید. خواننده این مقاله باید در نظر بگیرد که این نوشته انعکاسی است از واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی و جنسیتی سالهای آخر پیش از انقلاب در ایران. تکرار پژوهشی مشابه در زمان و شرایط کنونی توسط محقق دیگری می‌تواند داده‌های مقایسه‌ای آموزنده و جالبی از تحولات پس از ۴۵ سال ارائه دهد.

[3] بخشی از این تحقیق توسط مرکز تحقیقات بین‌المللی و مقایسه‌ای دانشگاه ایلینوی مورد حمایت بخاطر هدایت و Helen S. Farmer و Martin L. Maehr قرار گرفت. نویسنده از دکترها پیشنهاداتشان در اجرای این تحقیق قدردانی می‌کند.

[4] شریعتی، علی. *اسلام شناسی*، مشهد: دانشگاه فردوسی، ۱۹۷۲. همچنین نگاه کنید به آبراهامیان، [4] شماره ۱۰۲ صفحات ۲۴-۲۸. *Merip Reports*، ۱۹۸۲. یراوند. علی شریعتی: ایدئولوگ انقلاب ایران

[5] عسگری زاده، محمود. *اقتصاد به زبان ساده*. تهران: سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۹۷۸

[6] Warner&Cambel 1970; back translation technique (Warner&Cambel 1970; Brioin, Leonared 1973)

[7] برای احتیاط بیشتر در درجه بندی و روش تحلیل، برای هر شرکت کننده دو امتیاز یا نمره در مورد [7] شاخص‌های انگیزه حرفه ای محاسبه شد. یکی از امتیازها درجه بندی شده بود که شامل اولین انتخاب شغلی شخص و تحت عنوان انگیزه حرفه‌ای ۱ نام گذاری شد. دیگری میانگین طبقه بندی شده برای همه (a). مشاغلی بود که توسط شرکت کننده ترجیح داده می‌شد و دلالت بر انگیزه شغلی داشت



دانلود نسخه پی دی اف